ایران ورزشی ۱۳۰۰

یکهزار و سیصد

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ـ۸۸۵۰۱۳۰۰ ■ انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ـ۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ /صندوق پستی ۵۳۸۸–۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۹ - شماره ۶۶۶۴

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

www.INN.ir

info@inn.ir

یک قرن با ورزش ایران (۱۴۰۰ـ ۱۳۰۰)

مهدی زارعی

ورزش ایران برخلاف بسیاری از نقاط دنیا، نقطه صفر ندارد. اگر انگلیسی‌ها می‌توانند روز و ماه دقیق قانونمند شدن ورزش‌های مختلف را با توجه به اسناد اعلام کنند و اگر آلمانی‌ها و برزیلی‌ها می‌توانند به شکلی کاملاً دقیق بگویند که چه زمانی اولین توپ فوتبال وارد کشورشان شده است، ما ایرانی‌ها ناچاریم بسیاری از اطلاعات تاریخی ورزش خود را به شکلی تخمینی اعلام کنیم.

داستان‌های مربوط به فوتبال بازی کردن کارکنان سفارت بریتانیا در ایران را بسیاری شنیده‌ایم و اینکه چگونه بازی فرنگی‌ها مورد توجه جوانان عصر قجری شد. حتی اسامی بسیاری از کارمندان بریتانیایی سفارتخانه این کشور در منابع ما نیز وجود دارد اما کسب اطلاعات دقیق درباره افرادی که اولین‌ها را وارد ایران کردند، نیازمند مکاتبات و نامه‌نگاری‌های فراوان با کشورهایی است که به نوعی با ورزش ایران در ارتباط بوده‌اند. اتفاقی که تا کنون رخ نداده و تا امروز هم اراده‌ای برای انجام آن وجود نداشته است.

آنچه از این هفته در این صفحه مشاهده می‌کنید، نگاهی است به یک قرن ورزش نوین ایران. ورزشی که پیش از سال ۱۳۰۰ به شکلی محدود آغاز به کار کرده بود. بعدها و در دهه‌های نخست خود، با سرعت رشد کرد و بعدها به دلایل مختلف از این شتاب کاسته و در برخی از دهه‌ها به کلی متوقف شد. مرور لحظات مهم ورزش ایران در قالب تصاویر و اسناد می‌تواند ما را بهتر با جایگاه خود در ورزش جهان آشنا کند. اینکه کجا بودیم و اکنون کجا هستیم و در آینده در چه جایگاهی خواهیم بود؟

یک ایرانی در پاریس

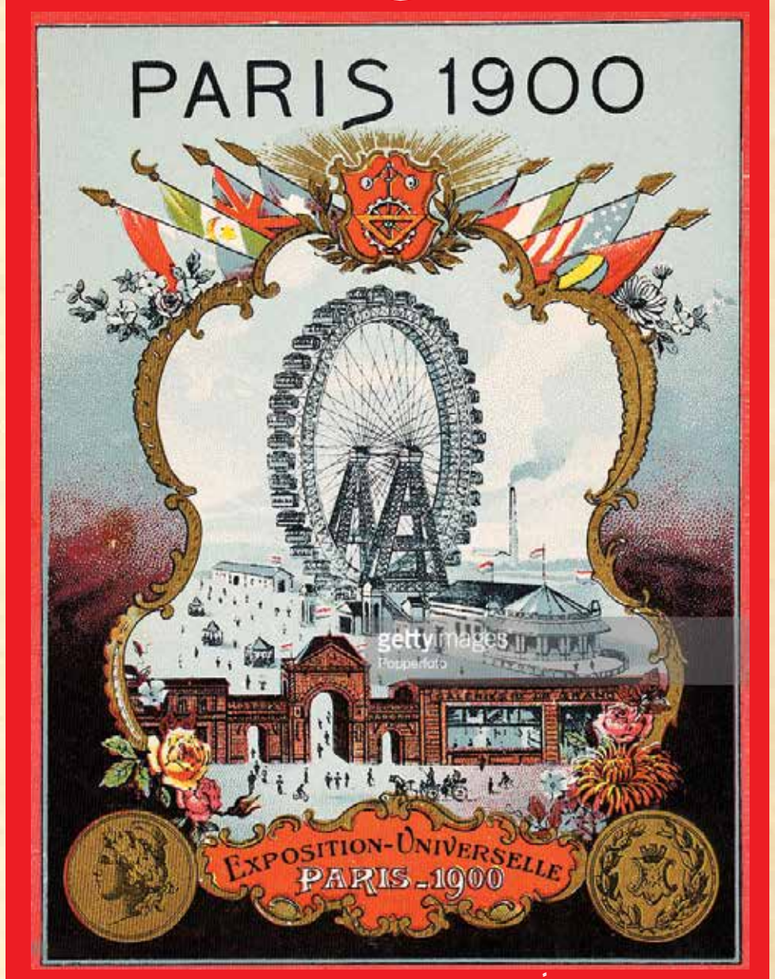

ورزش ایران به شکلی کاملاً اتفاقی به یکی از نخستین کشورهایی بدل شد که در بازی‌های المپیک شرکت کرده است. در سال ۱۹۰۰ م (۱۲۷۸ ش) دومین دوره بازی‌های المپیک در پاریس برگزار شد. در روزگاری که هنوز قوانین یکسانی در ورزش جهان اجرا نمی‌شد، طبیعی بود که قوانین شرکت در المپیک نیز متفاوت از امروز باشد. هنوز خبری از رقابت‌های انتخابی بازی‌ها نبود و هر کس که داوطلب بود، می‌توانست در بازی‌ها شرکت کند. بخصوص در بازی‌های ۱۹۰۰ که همه چیز آشفته و بی‌برنامه بود.

در هنگام برگزاری بازی‌های پاریس، یک ایرانی نیز در مسابقات شمشیربازی اپه ثبت نام کرد. «فریدون ملکم» تنها در گروه نهم مسابقات که با حضور ۶ شمشیرباز انجام شد، بالاتر از چهار شمشیرباز فرانسوی قرار گرفت و پس از ریشارد والاس فرانسوی راهی دور یک چهارم نهایی شد. دوری که باز هم در گروه‌های شش نفره انجام شد. فریدون این بار موفق به صعود از گروه خود نشد تا در بین ۱۰۲ شرکت کننده به رتبه نوزدهم المپیک دست پیدا کند.

آنچه مهم‌تر از رتبه او بود، به عقب بردن آمار رسمی ورزش ایران بود. برای ورزشی که نخستین بار در سال ۱۹۴۸ م (۱۳۲۷ ش) راهی المپیک می‌شد، تنها اسم یک نماینده در دومین المپیک کافی بود تا قدمت آن را ۴۸ سال بیشتر کند؛ بیشتر، بدون آنکه کیفیتی به آن اضافه شود.

نگاهی گذرا به تحولاتی کند

ورزش نوین ایران به شکلی تقریبی از حوالی دهه ۱۲۸۰ شمسی توسط بریتانیایی‌ها به ایران وارد شد. اولین توپ‌های فوتبال را انگلیسی‌های مقیم تهران و ملوانان بنادر جنوبی وارد ایران کردند. اندکی بعد در پایتخت، اعضای سفارت بریتانیا، بانک شاهنشاهی و تلگراف‌خانه «هند و اروپ» در اوقات فراغت خود، پا به توپ شدند و کمی بعد سه تیم مستقل تشکیل دادند تا نخستین مسابقات خود را در ایران و بدون حضور ایرانی‌ها برگزار کنند. در سال ۱۲۸۶ ش و اندکی بعد از انقلاب مشروطه در ایران «سر سیل اسپرینگ رایس» (۱۹۱۸–۱۸۵۹) وزیر مختار بریتانیا در ایران، رقابت‌های فوتبال و هاکی روی چمن را برای این سه تیم برگزار کرد و جامی نیز تهیه کرد تا به قهرمان تعلق گیرد. روی این جام نوشته شده بود: «طهران – فوتبال اسوسیاشن کلاب – ۱۹۰۷».

به مرور از ایرانی‌ها نیز در ترکیب تیم‌ها استفاده شد. «کریم زندی» فوتبالیست آن ایام معتقد بود نخستین ایرانی بوده که در تیم‌های انگلیسی به میدان رفته است.

چندی بعد و طی سال‌های ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ نیز آموزش فوتبال در کنار سایر ورزش‌ها در کالج آمریکایی (مدرسه البرز) شکلی جدی به خود گرفت اما از آنجا که فوتبال نیاز به توپ داشت، دکتر ساموئل جردن رئیس کالج آمریکایی از انگلیسی‌ها کمک گرفت و توپ فوتبال تهیه کرد. مدرسه سن لویی نیز از دیگر مدارسی بود که در آن به شکلی جدی ورزش‌های نوین تدریس می‌شد. در این مدرسه ورزشکاران ایرانی و خارجی مختلفی شامل احمد وثوق (وزیر جنگ کابینه دکتر مصدق)، کامیل گازا (پسر طبیب سفارت عثمانی)، الکساندر (پسر آنتوان عکاس)، حسین سیاسی (رئیس آینده فدراسیون فوتبال ایران)، غلامعلی بایگان (معز دیوان) و... به رشته‌های مختلفی می‌پرداختند.

سرانجام تیم کلوب ایران به عنوان نخستین تیم فوتبال در ایران، فعالیت خود را از ابتدای سال ۱۲۹۹ آغاز کرد. این تیم در بازی‌های همان سال با انگلیسی‌ها رقابت کرد و بعد از تیم انگلیسی‌های مقیم ایران، نایب قهرمان تهران شد. این نخستین عنوانی بود که تیمی ایرانی در یک دوره مسابقه به دست می‌آورد.

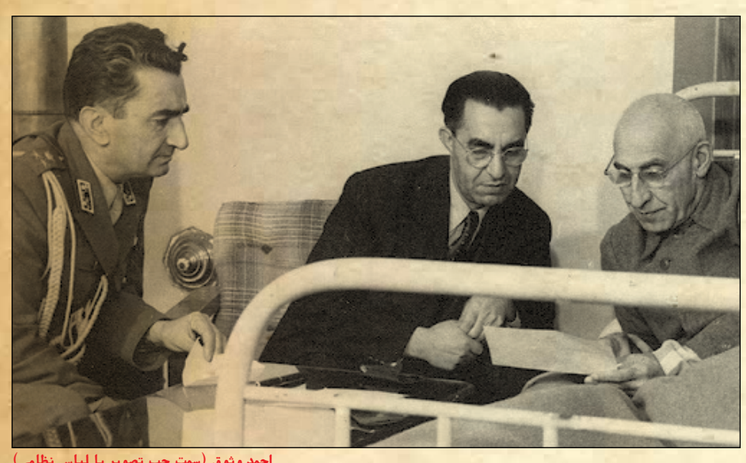

احمد وثوق (سمت چپ تصویر با لباس نظامی)

فوتبال در یخچال‌های طهران

سید محمد تدین

ابوالفضل صدری

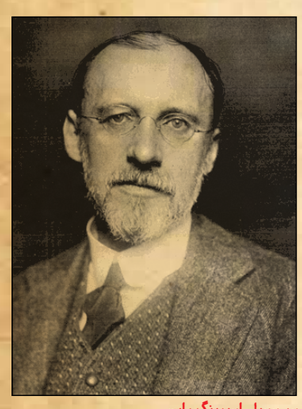

سر سسیل اسپرینگ رایس

تأسیس انجمن ترقی و ترویج فوتبال در ایران

نخستین نهاد رسمی که برای توسعه فوتبال در ایران، آغاز به کار کرد، نهادی کاملاً آکادمیک بود. تا قبل از سال ۱۳۰۰ فوتبال در شهرهای مختلف ایران برگزار می‌شد. هر جایی که زمین خاکی مسطحی دیده می‌شد، این قابلیت را داشت که تبدیل به یک زمین فوتبال شود؛ از جمله یخچال‌های اطراف شهر تهران.

بازی‌های اولیه، رقابت‌هایی مثل چلتوپ بودند که حتی با باد کردن مثانه گاو نیز می‌شد به آن پرداخت. در این بازی‌ها مثانه گاو نقش توپ را بازی می‌کرد.

اما با اضافه شدن جماعت علاقه‌مند به فوتبال، تهیه توپ این مسابقه اهمیت بیشتری پیدا کرد. از جمله راه‌های دشوار و پرهیجان تهیه توپ «کش رفتن» توپ انگلیسی‌ها بود که نیاز به همکاری چند نفر داشت. در این روش باید تماشاگران منتظر اوت شدن توپ در هنگام بازی می‌شدند. در این شرایط تماشاگری که به دنبال توپ رفته بود، در خارج زمین، توپ را با دوستان خود دست به دست می‌کرد و به این ترتیب در مدتی کوتاه، توپ کاملاً از محل مسابقه دور می‌شد!

مسابقات اولیه تیم‌های فوتبال ایرانی با همین توپ‌ها شکل گرفت. تیم‌هایی که شکل‌گیری آنها خلق‌الساعه بود. تشکیلاتی برای برگزاری مسابقات رسمی بین آنها وجود نداشت و با کوچکترین اختلاف بین اعضای تیم‌ها، آنها یک شبه از هم می‌پاشیدند و بازیکنان آنها راهی تیم‌های دیگر می‌شدند.

هرچه بر تعداد این تیم‌ها افزوده شد، ضرورت شکل‌گیری نهادهای رسمی برای سر و سامان دادن به آنها بیشتر احساس شد. سرانجام گروهی از معلمان ورزش که دوره‌های آموزشی را در «دارالمعلمین ورزش» سپری کرده بودند، دست به کار شدند و اساسنامه مدون «انجمن ترقی و ترویج فوتبال» را تهیه کردند تا نخستین قوانین رقابت‌های فوتبال ایران، از زیر دست تحصیل‌کرده‌های روزگار بیرون بیاید. اعضای انجمن «میرباقرخان نظم‌الملک» را به ریاست آن انتخاب کردند. معلمی ۴۰ ساله که بعدها نام خانوادگی «عظیمی» را برای خود انتخاب کرد، در انتخابات نیمه آذر تا پنجم اسفند ۱۳۰۲ کاندیدای خوی، ماکو، مرند و سلماس شد و با کسب ۹۸۳۴ رأی از ۲۲۳۵۸ رأی این حوزه انتخاباتی، نماینده مجلس شورای ملی گشت و چندی بعد نیز استاندار گیلان شد.

در انجمن ترقی و ترویج فوتبال، علاوه بر نظم‌الدوله، معلمینی چون ابوالفضل صدری و سیدمحمد تدین نیز حضور داشتند که هر دو در سال‌های بعد، نقش پررنگی در تحولات ورزش ایران ایفا کردند.

با تأسیس انجمن، ثبت تیم‌ها به شکلی قانونمند انجام گرفت و از آن پس انجمن توانست به شکل سالانه مسابقات قهرمانی تهران را با حضور اعضای انجمن برگزار کند.

حضور کشتی‌گیر گرجی در ایران

در روزگاری که هنوز مسابقات جهانی کشتی آغاز نشده بود و رقابت‌های کشتی محدود به مسابقات المپیک بود، گاه و بیگاه کشتی‌گیرانی از یک کشور راهی کشور همسایه می‌شدند و با چاپ اعلامیه، از کشتی‌گیرانی که حاضر به زورآزمایی با آنها بودند، دعوت می‌کردند. نمونه‌ای از این مسابقات در سال ۱۹۱۴ م (۱۲۹۳ ش) بود که سید کاکوتا و آلن نولو از هند به ایران آمدند و کاکوتا در میان خیل عظیم تماشاگران با سیدحسن شجاعت «رزاز» کشتی گرفت و در برابر کشتی‌گیر ایرانی شکست خورد.

کمتر از دو دهه بعد و در سال ۱۳۰۰ ش نوبت به ورود پهلوان کلاوری گرجی به تهران بود. کلاوری با کشتی زورخانه‌ای آشنا نبود و به همین علت، قبل از اعلام آمادگی برای مسابقه با کشتی‌گیران زورخانه‌ای ایران، مدتی با حاج میرزا عباس صدری اصفهانی (ملقب به شیشه بُر) و حاج رضا حُکمی هاشمی به تمرین پرداخت و آنها فنون و ریزه کاری‌های کشتی زورخانه‌ای را به کلاوری آموختند. به این ترتیب او آماده مسابقه شد. در ابتدا پهلوان قاسم تختی را شکست داد و یک روز بعد هم با پهلوان حاج محمد نجاران (ملقب به خرده فروش) کشتی گرفت و این مسابقه را هم با پیروزی پشت سر گذاشت.

به نظر نمی‌رسید که کسی حریف کشتی‌گیر گرجی باشد. از سوی دیگر مردم او را اجنبی و کافر می‌دانستند. همین مسأله سبب شد تا عوام‌الناس رقابت‌های او را با کشتی‌گیران ایرانی، رقابت کفر و اسلام دانسته و دسته دسته به امامزاده‌ها می‌رفتند تا برای شکست کشتی‌گیر اجنبی نذر و نیاز، کنند. حرم شاه عبدالعظیم از جمله اماکنی بود که بیشتر از سایر زیارتگاه‌ها، با هجوم مردم قرار می‌گرفت.

در همین ایام سیدمحمدعلی مسجدحوضی که خود از پهلوانان ایران بود، در بازار حلبی‌سازها حاج محمدصادق بلور فروش را می‌بیند. بلورفروش دو سال پیش از او تقاضای زنگ کرد و خواست با هم کشتی بگیرند اما وقتی با مخالفت سیدمحمدعلی روبه‌رو شد، کشتی را کنار گذاشت. حضور پهلوان گرجی بهانه‌ای شد تا سیدمحمدعلی از او درخواست کند دوباره به زورخانه بازگردد تا با کلاوری گرجی مسابقه بدهد.

مسابقه کشتی بلورفروش و کلاوری در سیرک تهران

بلورفروش در ابتدا حاضر به مسابقه نمی‌شود اما سرانجام می‌پذیرد که پس از چند روز تمرین، در مسابقه شرکت کند. پس از بیست روز او آمادگی خود را اعلام می‌کند و به این ترتیب دو کشتی‌گیر مهیای مسابقه در سیرک تهران –حوالی کوچه برلن کنونی– می‌شوند. یک دیلماج صحبت‌های داور و مسئولان مسابقه را برای کلاوری ترجمه می‌کرد.

با آغاز مسابقه، محمدصادق با دستان قدرتمند خود ضربه‌ای محکم با دو ساعد خود بر شانه‌های کلاوری وارد می‌کند. ضربه‌ای که اصطلاحاً به آن «قچاق» گفته می‌شد. کلاوری اندکی از جای خود تکان خورد اما بلافاصله ضربه‌ای مثل فنون کاراته امروزی به بلورفروش می‌زند که او را چند قدم به عقب پرتاب می‌کند. بعدها بلورفروش گفت که در اثر این ضربه، دستش به مدت سه ماه کبود شده بود. کف گرگی کلاوری، بلورفروش را چند متر به عقب پرتاب می‌کند به طوری که سیدمحمدعلی از پشت سر، بلورفروش را به جلو هدایت می‌کند.

در ادامه مبارزه محمدصادق از کلاوری زیرگیری کرد. کلاوری هم روی او خیمه زد و فشار زیادی آورد. با همین فشار بود که محمدصادق در خاک نشست. در تمام مدتی که او در خاک بود، کلاوری از فنی سراغ فن دیگر می‌رفت. تا اینکه در فرصتی مناسب، بلورفروش از فن تخصصی خود (بغل رومی) استفاده کرد و به سرعت به پشت کلاوری رفت. در همان حال فن مخالف مغربی را اجرا کرد و با استفاده از فن مکمل (فشار به کمر حریف با آرنج دست)، پاهای او را قفل نمود. در این لحظه محمدصادق آماده شده بود تا حریف را بتاباند که کلاوری از ستون سقف که یک تیر چوبی بود استفاده کرده و آن را محکم می‌گیرد. محمدصادق کمی او را تیغ کرده بود اما هنوز فن به صورت کامل انجام نشده بود که صدای صلوات مردم بلند می‌شود. مردم محمدصادق را سر دست بلند می‌کنند و با سلام و صلوات تا منزل می‌برند. این در حالی بود که کلاوری قبول نداشت در این مسابقه شکست خورده است. مردم بی‌توجه به اعتراض کلاوری و به پاس برتری اسلام بر کفر در مسابقه کشتی، شهر را آذین‌بندی کردند و اولین رقابت بین‌المللی ایران در قرن، اینگونه خاتمه یافت.

کلاوری گرجی و محمدصادق بلورفروش

میدان مشق، نخستین ورزشگاه تهران

نمی‌توان ورزش مدرن ایران را بدون ورزشگاه امجدیه تصور کرد. استادیومی که اکنون بیش از هشتاد سال قدمت دارد اما پیش از ساخته شدن این استادیوم، مسابقات در چه نقطه‌ای برگزار می‌شد؟ طی سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ رقابت‌های تیم‌های سفارت بریتانیا، تلگراف‌خانه و بانک شاهنشاهی در میدان مشق برگزار می‌شد. این میدان که اندکی بعد به «باغ ملی» تغییر نام داد، در اوایل دوره قاجار با پهنایی نزدیک به ۴۰۰ متر ساخته شد و قشون در آن به تمرینات رزمی می‌پرداختند.

میدان از شمال به خیابان سوم اسفند (شهید سخایی)، از شرق به علاءالدوله (فردوسی)، از غرب به خیابان قوام‌السلطنه (سی تیر) و از جنوب به باغشاه (امام خمینی) متصل می‌شد و در میانه آن، سربازخانه مرکزی جای گرفته بود.

مساحت این مجموعه به اندازه‌ای بود که هرگونه نمایشی را می‌شد در آن انجام داد. از فرود طیاره و بالن تا نمایش با موتور و دوچرخه و سرانجام رقابت‌های فوتبال. بدون اینکه نیاز به وجود جایگاه تماشاگران در اطراف زمین باشد.

تبلیغات ورزشی در رسانه‌ها

میر مهدی ورزنده

از خانمها، و آقایان واطفال برای ورزش وشمشیر بازی دعوت میکند.

آدرس: خیابان علاء الدوله کوچه میر شکار

ساعات: از شش ونیم صبح تا هفت ونیم جهة آقایان همه روزه از ٤ و نیم تا ٧ ونیم عصر جهة خانمها: یکشنبه، سه شنبه و ٥ شنبه.

از ٤ ونیم تا ٥ ونیم عصر جهة اطفال: شنبه ودوشنبه و٤ شنبه

شمشیربازی

ساعت ٥ ونیم الی شش و نیم عصر: شنبه، دوشنبه و٤ شنبه.

در بین صفحات روزنامه‌های آن ایام، گاه و بیگاه می‌شد تبلیغات اماکن ورزشی را دید. استخرهای شنا که عموماً در آنها از آب قنات استفاده می‌شد، از جمله اماکنی بودند که تا یکی دو دهه بعد هم در آگهی‌های روزنامه‌ها معرفی می‌شدند اما یکی از نخستین تبلیغات ورزشی قرن توسط میرمهدی‌خان ورزنده انجام شده بود.

ورزنده که خود در اروپا در رشته ژیمناستیک تحصیل کرده بود، از اولین ایرانیانی بود که رشته شمشیربازی را در کشور انجام داد. در آگهی تبلیغاتی او نوشته شده بود:

میرمهدی ورزنده

از خانم‌ها و آقایان و اطفال برای ورزش و شمشیربازی دعوت می‌کند.

آدرس: خیابان علاءالدوله – کوچه میرشکار

ساعات: از شش و نیم تا هفت و نیم صبح جهه (جهت) آقایان همه روزه، از چهار و نیم تا هفت و نیم عصر جهه (جهت) خانم‌ها: یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه

از چهار و نیم تا پنج و نیم عصر جهت اطفال: شنبه و دوشنبه و چهارشنبه

شمشیربازی: ساعت پنج و نیم الی شش و نیم عصر: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه

تولدها

در بین مدال‌آوران ایران در بازی‌های جهانی و المپیک، در ابتدای قرن جعفر سلماسی پنج‌ساله و محمد نامجو سه‌ساله بود. در اولین روز فروردین سال ۱۳۰۰ در محله درخونگاه واقع در سنگلج تهران (محدوده ضلع جنوبی پارک شهر تا خیابان خیام) از پدری سولقانی و مادری اهل روستای رندان، پسری به دنیا آمد که نام شعبان رویش گذاشته شد.

شعبان جعفری ملقب به بی مخ و تاجبخش از کشتی‌گیران باستانی ایران بود که بعدها به خاطر حضور در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بیشتر به عنوان چهره‌ای سیاسی در خاطره‌ها باقی ماند.

جعفری بعدها باشگاه جعفری را تأسیس کرد که این باشگاه در کشتی پهلوانی، کشتی کج، بوکس و حتی فوتبال فعالیت داشت. وی بعدها در اواخر عمر درباره تأسیس باشگاه خود گفت: «همه جبهه ملیا اومدن و برای زورخونه‌ای که قرار بود بسازم پولم دادن. دکتر غلامحسین صدیقی بود، مهدی بازرگان بود، دکتر عبدالله معظمی بود، شمس قنات آبادی بود، اللهیار صالح بود. بقایی بود و اینا همه بودن تا حتی کاشانی یه دفعه اومد اونجا.»

جعفری که در ۲۸ مرداد ۱۳۸۶ در ایالات متحده از دنیا رفت، دارای طبع شعر نیز بود و با تخلص «شعبان» شعر می‌گفت. شعر زیر از آثار اوست:

دارم دلی شکسته زخوبان روزگار
روزم شده سیه همچو شب تار زلف یار
یارب ببین به گوشه زندان شدم دچار
یارب ببین چه می‌کند این چرخ کج‌مدار

شعبان جعفری